

چه کنم

آهنگساز : اسکندرابادی

شاعر : اسکندرابادی

تنظیم : عارف ابراهیم پور

ای دوست بگو با غم دنیا چه کنم، تا شاد کنم دلی بفرما چه کنم
گفتی که تو امروز کنم صبر ولی، امروز نشد بگو که فردا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم
در غربت ما حالت غم بسیار است، دل مرده و درگیر ستم بسیار است
میل دل و می به دوستان هرچه کم است، وابستگی و جاه و درم بسیار است
دیدار دیار که نگردد ممکن، با غربت خود نگفتی آیا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم
با اینهمه از غصه گریزانم من، هر دم پی شادی عزیزانم من
یا شعر طرب برایشان میخوانم، یا در پی ساز غم ستیزانم من
امروز اگر طرب کم و پنهان است، فردا چو نشد دوباره پیدا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم
غم را چه کنم، دل را چه کنم، امروز نشد، فردا چه کنم